خبر

دو واکنش متفاوت از «محمدرضا عارف» درباره شهرداری

با استعفای نجفی بازار گمانه‌زنی در خصوص شهردار بعدی تهران داغ شده است. در این میان نام محمدرضا عارف نیز به عنوان گزینه مورد نظر برخی از اعضای شورای شهر تهران به چشم می‌خورد. عارف اگرچه در گفت‌وگو با خبر آنلاین در این باره سکوت کرده اما در گفت‌وگو با اعتماد آنلاین واکنشی متفاوت نشان داده است. رییس فراکسیون امید در پاسخ به سوال خبرآنلاین درباره آنکه شنیده می‌شود قرار است شهردار شود می‌گوید: «من در این رابطه صحبتی نمی‌کنم.» او در پاسخ به سوالی دیگر درباره اینکه شهردار شدن او یا محسن هاشمی نادیده گرفتن حق کسانی است که به آنها رای داده‌اند، تکرار می‌کند: «گفتم صحبتی نمی‌کنم.» محمد رضا عارف در گفت‌وگویی دیگر با «اعتماد آنلاین» در پاسخ به سوالی درباره امضای میثاقنامه اعضای شورای شهر در جهت عدم خروج از شورا می‌گوید: «اعضای شورای شهر باید به رای مردم احترام بگذارند و در شورای شهر حضور داشته باشند. ما میثاقنامه را گرفتیم برای اینکه اجرا شود و انتظارمان از تمام اعضای شورای شهر در تمام شهرستان‌ها این است که به امضا و میثاق‌شان احترام بگذارند و این خواهش و دغدغه ما است. آنها باید به تعهدات خود مطابق میثاقنامه عمل کنند که طبیعتا احترام به رای مردم و حضور در شورای شهر است.»

میردامادی: نه امیرانتظام جاسوس بود، نه عبدی بازجو

محسن میردامادی به مصاحبه تصویری عباس امیرانتظام با حسین دهباشی واکنش نشان داد و گفت: موضوع آقای امیرانتظام و مشکلاتی که برای ایشان پیش آمد دغدغه ذهنی من و احتمالا امثال من بوده است. به همین دلیل من اسناد سفارت امریکا در رابطه با آقای امیرانتظام را که پس از اشغال سفارت منتشر شد بار دیگر مطالعه کردم. در شرایط فعلی که آن هیجان‌زدگی فضای عمومی دوران انقلاب و به خصوص ماه‌های پس از اشغال سفارت دیگر وجود ندارد طبعا منصفانه‌تر می‌توان در اینگونه موارد قضاوت کرد. من در این اسناد هیچ مطلبی که بر جاسوس بودن آقای امیرانتظام دلالت کند ندیدم. طی بررسی‌هایی که اخیرا کردم پس از ارایه اسناد سفارت به مراجع ذیربط، گروهی که مسوول بررسی آن اسناد و انجام تحقیقات از آقای امیرانتظام شده بودند نیز در همان زمان به این نتیجه رسیده بودند که اتهام جاسوسی متوجه ایشان نیست.

وی تصریح کرد: از همان سال‌های اول انقلاب بحث اتهام جاسوسی نسبت داده شده به ایشان مورد پرسش و ابهام بوده است ولی امروز در فضای کنونی خیلی قاطع‌تر می‌توان گفت که اتهام جاسوسی درست نبوده و به ایشان آشکارا ظلم شده است.

میردامادی در مورد اظهارات امیر انتظام مبنی بر بازجو بودن عباس عبدی نیز گفت: این اظهارنظر آقای امیرانتظام که آقای عبدی مامور مراقبت از ایشان بوده است، صحیح نیست. حوزه کاری آقای عبدی اصولا این نوع امور نبود. فردی که آقای امیرانتظام با آقای عبدی اشتباه می‌گیرد یکی دیگر از دانشجویان بود که نام کوچک وی نیز عباس بود و با توجه به اینکه آنجا افراد نوعا با اسم کوچک یکدیگر را صدا می‌کردند احتمالا این تشابه اسم باعث این برداشت اشتباه شده است. تاریخ ایرانی

سردار محمدحسین سپهر جانشین علی فضلی شد

سردار محمدحسین سپهر با حکم سرلشکر جعفری، فرمانده کل سپاه به عنوان جانشین رییس سازمان بسیج مستضعفین، جایگزین سردار علی فضلی شد. علی فضلی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. وی از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۶ به مدت ۱۳ سال فرمانده لشکر ۱۰ سیدالشهدا بود. از سمت‌های دیگر نظامی وی می‌توان به جانشین سابق قرارگاه ثارالله تهران، معاونت عملیات فرماندهی کل سپاه پاسداران و فرمانده سپاه سیدالشهدا استان تهران اشاره داشت که در تیرماه ۱۳۸۷ به این سمت منصوب شد. علی فضلی در ۱۸ آذرماه ۱۳۸۸ به عنوان جانشین جدید غلامحسین غیب‌پرور، رییس سازمان بسیج مستضعفین معرفی شد. پیش از این سردار همدانی این مسوولیت را بر عهده داشت که به عنوان فرمانده سپاه تهران بزرگ منصوب شد. سرانجام روز گذشته پس از نزدیک به ۹ سال علی فضلی از بسیج مستضعفین رفت و سردار محمد حسین سپهر جانشین وی شد. سردار محمد حسین سپهر از رزمندگان و ایثارگران دوران دفاع مقدس در استان کرمانشاه است که تاکنون در رده‌های مختلف فرماندهی سپاه در غرب کشور و نمایندگی ولی فقیه در سپاه فعالیت داشته و سال ۸۶ نیز به عنوان گزینه اول استانداری کرمانشاه معرفی شد که با امتناع وی از پذیرش این مسوولیت موضوع منتفی شد. او در تیرماه سال ۱۳۸۷ به عنوان معاون هماهنگ کننده نماینده ولی فقیه در کل سپاه منصوب و معرفی شد و تا روز گذشته در این سمت مشغول فعالیت بود. «سازمان بسیج مستضعفین» که در گذشته با نام نیروی مقاومت بسیج شناخته می‌شد در ۵ آذر ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی تشکیل شد و پس از تصویب مجلس شورای اسلامی در دی ۱۳۵۹ قانونا رسمیت پیدا کرد و به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تعلق گرفت.

گزارش روز

احمدمعینی‌جم/ایرنا

«اعتماد» بررسی می‌کند

اصلاحات و پارلمان اصلاحات

مریم وحیدیان

«پارلمان اصلاحات» که از سال ۸۷ تا به امروز خاک خورده است چند ماه آخر سال ۹۶ بر سر زبان‌ها افتاد. به گونه‌ای که برخی چهره‌های حزبی از تلاش برای اجرایی کردن آن گفتند و حتی دبیرکل حزب مردم‌سالاری از رونمایی آن در خرداد ماه ۹۷ یعنی دو ماه آینده خبر داد و به نظر می‌رسد همچنان یکی از جدی‌ترین پروژه‌های سیاسی اصلاح‌طلبان به شمار می‌آید با این حال نباید این نکته را از نظر دور داشت که طرح‌کنندگان دوباره این ایده طیفی بودند که در عمل در ادوار انتخاباتی مجلس دهم و شورای شهر پنجم نارضایتی‌هایی از لیست اصلاح‌طلبان ابراز کرده بودند. همین‌ها هستند که امروز خواستار تحولی برای پویایی تشکیلاتی جریان اصلاحات هستند. احزاب در حاشیه، با مدلی جدید برای کار تشکیلاتی به میدان آمده‌اند. با این حال آنچه در ایران حزب می‌نامیم، هنوز در ساختار سیاسی دورنمای دقیقی از خود به دست نداده است. اگرچه قانون جدید احزاب تلاشی در جهت حذف احزابی بود که جز یدک کشیدن تابلوی حزب نیستند.

آنها که از ضرورت اجرایی شدن پارلمان اصلاحات سخن گفتند، از اختلال در فرآیند تشکیلاتی و تکمیل ایده شورای عالی سیاستگذاری حرف زدند. مسلم است که وقتی ابعاد و مختصات طرحی به درستی ارایه نشده است، تبعا موافقت و مخالفت با آن وجه دقیقی نیافته است اما اظهار نظر برخی چهره‌های سیاسی اصلاح طلب نشان می‌داد که این طرح را قابل بحث می‌دانند. همین بود که نیمه اسفندماه حسین مرعشی، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران از توافق‌های صورت گرفته بر سر این ایده چنین گفت: «اختلاف نظر وجود دارد ولی در کل هیچ فردی در شورای‌عالی سیاستگذاری مخالف این طرح نیست و ما در حال بحث روی جزییات این طرح هستیم.»

با این حال مواضع ضد و نقیضی در این خصوص شاهد بودیم. محمود میرلوحی، یکی از اعضای شورای عالی سیاستگذاری در بهمن ماه گفته بود که «دوستان در شورای عالی سیاستگذاری به این نتیجه رسیدند که اشخاص حقیقی با سازوکار دیگری انتخاب و به شورا ملحق شوند. شکل‌گیری پارلمان اصلاحات در شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان منتفی شده و این شورا این پیشنهاد را رد کرده است.»

مدل‌های تشکیلاتی پارلمان اصلاحات

دو مدل و تصویر از ساختار تشکیلاتی پارلمان اصلاحات در رسانه‌ها از سوی چهره‌های اصلاح‌طلب مطرح شده است. یکی از این مدل‌ها پارلمان اصلاحات با کارویژه نظارتی و بالادستی نسبت به یک نهاد اجرایی که تا به امروز در دو انتخابات مجلس دهم و شورای شهر پنجم با عنوان «شورای عالی سیاستگذاری» فعالیت کرده، خواهد بود. در این مدل احتمالا پارلمان اصلاحات آنچنان که از نامش هم برمی‌آید قواعد و قوانین کار شورای عالی سیاستگذاری را تعیین می‌کند. حزب کارگزاران این ایده را مطرح کرد. حسین مرعشی چنین گفته بود: «براساس طرحی که به پیشنهاد کارگزاران سازندگی در شورای هماهنگی اصلاحات تصویب شد، قرار است شورای‌عالی سیاستگذاری کار خود را به عنوان نهاد اجرایی ادامه بدهد و پارلمان اصلاحات هم نهادی بالادستی و نظارتی خواهد بود.» البته طراحان این مدل هنوز از ابعاد ساختاری پارلمان و چگونگی چینش اعضای آن سخنی به میان نیاورده‌اند؛ اما شاید بتوان در این حالت پارلمان اصلاحات را در نقش مجمع عمومی در ساختار متداول احزاب در دنیا تصویر کرد. مجمع عمومی‌ای که ریل حرکت جریان کلی اصلاحات را تعیین می‌کند و شورای عالی سیاستگذاری مطابق سیاست‌های مصوب پارلمان اصلاحات روی این ریل حرکت خواهد کرد. در ادامه این دیدگاه این پرسش اساسی مطرح می‌شود که پارلمان اصلاحات به لحاظ چینش اعضا چقدر عمومیت خواهد داشت؟ آیا همه طیف‌ها و جریان‌ها و احزاب اصلاح طلبی در آن حضور خواهند داشت؟ وزن هر کدام از این طیف‌ها در پارلمان اصلاحات چه خواهد بود؟ وابسته به اینکه وظیفه مشخص پارلمان اصلاحات تصویب چه نوع قواعدی خواهد بود، پاسخ به دو پرسش پیشتر مطرح شده، می‌تواند محل بحث و بررسی قرار بگیرد. این ایده به لحاظ ساختار تشکیلاتی شاید تا حدی بتواند جریان اصلاحات را به سمت یک حزب سراسری شدن پیش ببرد.

تلاش برای حذف شورای عالی سیاستگذاری

مدل دومی که در رابطه با پارلمان اصلاحات بیان شده از سوی مصطفی کواکبیان، دبیرکل حزب مردم‌سالاری بوده است. وی در توضیح اهداف شکل‌گیری این طرح بیان کرده بود: «پارلمان اصلاحات یک پارلمان دموکراتیک، سراسری، پویا و حزب‌محور است که با نیت خارج کردن احزاب اصلاح‌طلب از رخوت شکل خواهد گرفت و البته باز هم تاکید می‌کنم که پارلمان اصلاحات در برابر آقای خاتمی قرار نگرفته است.»

اگرچه تکوین ساختاری که هر چه بیشتر تصمیم‌گیری در جریان اصلاحات را دموکراتیک کند، هدفی مثبت تلقی می‌شود اما مدل‌سازی با هدف خارج کردن فعالان سیاسی از رخوت، جای تعجب دارد. اصولا رخوت یک حزب یا فعال سیاسی امری پذیرفته شده نیست و قاعدتا حزبی که در رخوت به سر می‌برد، هیچ ساختار مشخصی هم نمی‌تواند این موهبت را به او هدیه کند. کواکبیان معتقد است که پارلمان اصلاحات باید ۴۰۰۰ عضو داشته باشد. وی در تشریح ایده خود گفته است: «ما گفتیم مثلا ۵۰ حزب اصلاح‌طلب داریم. بر این اساس، ابتدا هر حزب، حدود ۳۰ نفر از اعضای خود در سراسر کشور را انتخاب و معرفی کند. در مرحله بعد بنابر شاخص‌های فعالیت‌های احزاب از جمله تعداد کنگره‌هایی که برگزار می‌کند، اینکه آیا ارگان انتشاراتی دارد یا خیر، دفاتر استانی دارد یا خیر، شورای مرکزی و مجمع عمومی آنها تا چه میزان فعال است و مسائلی از این دست، می‌توانند تا ۱۵۰ نفر دیگر سهمیه داشته باشند و اعضای‌شان را به پارلمان اصلاحات بفرستند. هم‌اکنون ۲۵ حزب داخل شورای هماهنگی جبهه اصلاحات هستند، ۲۵ حزب اصلاح‌طلب هم خارج از شورای هماهنگی هستند و در نتیجه این ۵۰ حزب می‌توانند هر کدام ۳۰ عضو معرفی کنند و در نتیجه حداقل اعضای پارلمان اصلاحات یعنی ۱۵۰۰ نفر تشکیل می‌شود.» البته شاید برای فعالان سیاسی خبره هم سخت باشد که نام این ۵۰ حزب اصلاح طلب را بگویند. حتی نام بردن ۲۵ حزب عضو شورای هماهنگی جبهه اصلاحات هم کاری است کارستان. به هر حال اینکه به صورت پیشینی و بدون هیچ شاخصه‌ای حداقل حق عضویت ۳۰ نفر برای هر حزب وجود داشته باشد، جای تامل دارد. ضمن اینکه این حق تنها و تنها به این دلیل تعلق می‌گیرد که حزبی نامش را در وزارت کشور ثبت کرده است. البته این ایده نقاط قوتی نیز می‌تواند داشته باشد. تلاش برای ساختن مجمعی که شمولیت بیشتری از طیف‌ها و افکار اصلاح طلبی داشته باشد، می‌تواند گامی مثبت تلقی شود. گامی که مطابق وظایف و کارکردهای هر مجموعه در آن باید تنظیم شود. طراحان این مدل چندان تمایلی به ادامه کار شورای عالی سیاستگذاری ندارند. همچنان که احمد حکیمی‌پور، دبیرکل حزب اراده ملت ایران بیان کرد: «اینکه ذیل پارلمان اصلاحات چه باشد و چه نباشد، مساله‌ای است که شورای هماهنگی جبهه اصلاحات باید درباره آن تصمیم بگیرد. این مساله‌ای که گفتم، نظر حزب اراده ملت ایران است. حزب اراده ملت معتقد است که شورای عالی اصلاح طلبان فقط برای انتخابات تشکیل شد و الان انتخاباتی در کار نیست و از طرفی هم شورای عالی اصلاح طلبان علنا جلسه‌ای ندارد و کاری انجام نمی‌دهد.»

اجماع برای پویایی اصلاحات

شورای عالی سیاستگذاری، شورای هماهنگی جبهه اصلاحات و پارلمان اصلاحات علاوه بر ظرفیت ساختاری‌شان برای ارتقای تشکیلاتی جریان اصلاحات اقدامات ویژه‌ای در این سال‌ها داشته‌اند.

شورای عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان دو موفقیت چشمگیر داشت. لیست اصلاح طلبان در دو انتخابات مجلس دهم و شورای شهر پنجم به‌طور کامل رای آورد تا بر ضرورت انسجام تشکیلاتی و عملکرد در ایام انتخابات صحه بگذارد. امروز جریان اصلاحات به این مساله پی برده است که بدون یک رفتار منسجم در انتخابات شانسی برای پیروزی نخواهد داشت. مساله‌ای که جریان اصولگرا نیز با فاصله به ضرورتش پی برد. انسجام تشکیلاتی در غالب کشورها در ساختار حزبی دنبال می‌شود. حزبی که پرچم عقیده و مشی مشخصی را بلند می‌کند. مسلم است که جریان‌های سیاسی با فاصله نه چندان کمی که از احزاب پایدار دارند، هنوز نمی‌توانند از برکات این شکل سیاست‌ورزی بهره بگیرند اما تلاش برای رسیدن به این ساختار باید در مرکز توجه فعالان سیاسی قرار بگیرد.

حزب	موضع
حزب کارگزاران	محمدعطریانفر **ایده پارلمان اصلاحات متعلق به هیچکس نیست و در عین حال متعلق به همه است. همه شخصیت‌های موثر اصلاحات جمع‌بندی کرده‌اند که در افق پیش رو باید حوزه‌های موثر اصلاحات که در قالب شوراهای مشورتی و شوراهای فردی و شورای هماهنگی که هر یک صدایی را نمایندگی می‌کردند، تجمیع شده و به یکپارچگی و توافق و تفاهم دست پیدا کنند. در این راه گام‌هایی برداشته شده و برخی احزاب پیشنهاداتی داده‌اند. جمعی از چهره‌های موثر اصلاح‌طلب نمایندگی پیدا کرده‌اند که پیش‌نویسی را تنظیم کنند و با همفکری دیگر احزاب و شخصیت‌ها و تحت ارشادات آقای خاتمی به عنوان نماد و پرچمدار جریان اصلاحات آن را به توافق عمومی برسانیم.** اعتماد
حزب اتحاد ملت ایران	محمود میرلوحی **تشکیل پارلمان اصلاحات به منظور انتخاب اعضای حقیقی شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان مطرح شد که البته شرایط آن فراهم نیست و اعضای حقیقی با سازوکار دیگری انتخاب خواهند شد. سرفصل دوم این بود حالا که شورای عالی باید به فعالیتش ادامه دهد اعضایش باید چگونه انتخاب شوند؟ سوال این بود که مثل گذشته اشخاص حقیقی و حقوقی در شورای عالی باشند یا فقط اشخاص حقوقی عضو باشند؟ بنا شد تعداد اشخاص حقیقی نصف اشخاص حقوقی باشد مساله بعدی این بود که اشخاص حقیقی چطور باید انتخاب شوند؟ که دو شیوه مطرح شد؛ یک شیوه مدل قبلی است که ساز و کاری مانند شورای عالی یا شورای مشورتی پیشنهاد دهند. دیگری هم این بود که ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر از اصلاح‌طلبان از سراسر کشور جمع شوند و اشخاص حقیقی را انتخاب کنند. البته اینکه اسم این جمع چه باشد معلوم نبود و برخی آن را پارلمان اصلاحات نام دادند. او تاکید کرد شکل‌گیری پارلمان اصلاحات در شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان منتفی شده و شورا این پیشنهاد را رد کرده است.** اعتماد آنلاین
حزب مردم‌سالاری	داریوش قنبری **ایده پارلمان اصلاحات که اخیرا مطرح شده، در گذشته نه‌چندان دور در جریان اصلاحات به شکل شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان تشکیل شده است. این شورا، فراگیرترین جریانی است که در جریان اصلاحات شکل گرفته است تا جایی که اصلاح‌طلبان حزبی و غیرحزبی در این پارلمان حضور دارند. اگر منظور از پارلمان اصلاحات یک جریان فراگیر حزبی باشد، این جریان فراگیر در کشور ما شورای عالی سیاستگذاری است. یکی از مهم‌ترین کارکردهایی که پارلمان اصلاحات باید داشته باشد، ایجاد همدلی و وحدت است به نحوی طیف‌های مختلف اصلاح‌طلب را به یکدیگر نزدیک کند. اکنون این کارکرد را شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان دارد. به نظر من با وجود شورای عالی سیاستگذاری، نیازی به پارلمان اصلاحات نیست. هر چند نباید از این مهم غافل شد که شورای عالی سیاستگذاری نیاز به اصلاحات دارد. اصلاحاتی که نقاط قوت این شورا را تقویت کرده و نقاط ضعف آن را برطرف کند. در مجموع ارزیابی کلی من از شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان به واسطه موفقیت در انتخابات‌های مختلف مثبت است به همین سبب ضرورتی در تشکیل پارلمان اصلاحات احساس نمی‌شود.** اعتماد
حزب اسلامی کار	حسین کمالی **پارلمان اصلاحات بحث جدیدی نیست؛ دو سال پیش کلیاتش در شورای هماهنگی جبهه اصلاحات به تصویب رسید و مجدد با پیشنهاد حزب مردم‌سالاری در دستور کار قرار گرفت. وظیفه پارلمان اصلاحات تولید مانیفست و مفاهیم مشترک است تا بین نظرات اصلاحات با بقیه جمعیت‌ها فرق بگذارد. چون گاهی اوقات کسانی که افکار براندازانه دارند، خود را در چارچوب‌های اصلاح‌طلبی تعریف می‌کنند در حالی که این طور نیست. اصلاح‌طلبان به بقای نظام و اصلاح امور معتقدند، بنابراین کاملا متفاوت هستند با کسانی که اصل نظام را قبول ندارند. نقش پارلمان اصلاحات با نقش شورای عالی اصلاح‌طلبان متفاوت است. یعنی پارلمان اصلاحات تولید مانیفست، سیاست و خط مشی می‌کند و با هیچ بخش دیگری موازی نخواهد بود. تفاوت دیدگاه در همه جریانات و گروه‌ها اعم از اصلاح‌طلب، اصولگرا و میانه وجود دارد. هیچ دو انسانی شبیه هم فکر نمی‌کنند اما اینکه ما می‌توانیم با هم بنشینیم گفت‌وگو کنیم و با آنها به تفاهم برسیم، نکته مهمی است که اصلاح‌طلبان تاکنون توانسته‌اند از این نعمت بهره‌مند شوند.** خانه‌ملت
حزب اعتمادملی	جوادی حصار **هر تصمیمی که از یک منشأ خردمندانه در حوزه اصلاحات اتخاذ شود و پاسخگوی نیازهای جدید جریان اصلاحات به ویژه در تحزب باشد از آن استقبال می‌شود. درباره شورای عالی سیاستگذاری نیز ایرادی وجود دارد که این شورا یک شورای انتخاباتی است و در مقاطع انتخاباتی برای آنکه از تجدد جلوگیری شود، شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان یک کمیته انتخابات تشکیل داد که این کمیته گسترش پیدا کرد و تبدیل به شورای عالی سیاستگذاری شد. اگر قرار باشد پارلمان اصلاحات جایگزین شورای عالی شود، باید به تایید شورای هماهنگی جریان اصلاحات برسد. آیا پارلمان اصلاحات می‌خواهد جایگزین دایمی شورای عالی سیاستگذاری شود که تنها کارکرد انتخاباتی داشته باشد؟ در این صورت ضرورتی برای تشکیل آن وجود ندارد. اما اگر می‌خواهد پارلمانی تشکیل شود که به موازات شورای هماهنگی احزاب اصلاح‌طلب عمل کرده و دیگر مراجعه‌ای به احزاب نشود، معنای دیگری خواهد داشت. در این باره به صورت جزیی در حزب اعتمادملی صحبتی انجام نشده است اما اگر قرار باشد این اتفاق رخ دهد، حتما این موضوع در دستور کار قرار خواهد گرفت و نظر رسمی خود را اعلام خواهیم کرد.** اعتماد

گپ و گفت

هاشمی به روایت هاشمی (۵۰)

اگر از خوانندگان ثابت روزنامه باشید می‌دانید که از ماه‌های پایانی سال گذشته به‌صورت دنباله‌دار، خاطرات آیت‌الله هاشمی را در این ستون چاپ کرده‌ایم و چاپ و انتشار قسمت‌های بعدی‌اش ادامه دارد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در شماره قبلی به ماجرای دستگیری خود در قم و پس از تظاهرات دوم شوال اشاره می‌کند. همچنین در شماره قبل ماجرای پخش اعلامیه‌ها مطرح شد. در این شماره ادامه این گفت‌وگو و ماجرای دستگیری ایشان را می‌خوانیم.

■ این طور که نقل کردند شما شماره تاکسی را برداشته بودید بعد در یک ملاقاتی داده بودید شماره را به اخوی‌تان؟

یادم نیست که حالا این طور کرده باشم. به هر حال بعدا فهمیدیم آن تاکسی چیزهاش را به رژیم نداده بود و جایی رسانده بود. نواری بود و چیزهایی بود، اعلامیه بود. در مسیر هم که ما را بردند ما اینقدر خندیدیم که آن مامورینی که با ما بودند از رو رفته بودند که اینها چه بازداشتی‌هایی هستند که این طور، اینقدر تفریح می‌کنند و این قدر. اصلا اعتنایی نمی‌کردم به این چیزها دیگر. قزل‌قلعه که وارد شدیم آقای قریشی -شهید شد ایشان- و امام را هم از خمین اینجاها گرفته بودند آوردند. یادم است که، وقتی رفتیم اینها بودند. من هنوز نمی‌دانستم که هیات موتلفه را در ظرف یکی دو روز یعنی آن هیات مرکزی موتلفه را گرفتند. چون ما تا تهران بودیم نگرفتند، فقط آن گروه منصور را گرفته بودند.

■ یعنی هنوز آنها را نشناخته بودند یا لو نرفته بودند؟

یعنی سرایت نکرده بود تا آن روز که قم بودم بازداشت شدم، قضیه به اصل هیات موتلفه سرایت نکرده بود. در قزل‌قلعه، یک روز من کنار دیواری ایستاده بودم پنجره داشت - شما رفتید آنجا- در حیاط، همین طور که کنار دیوار ایستاده بودم و بالا سرمان پنجره بود دیدم که از آن پنجره کسی با من صحبت می‌کند، آقای توکلی قمی بود. سید ابوالفضل توکلی خب، از دوستان ما بود و ما هم نمی‌دانستیم که اینها را گرفتند. یواش صحبت کرد و خبر داد که هیات مرکزی موتلفه را گرفتند و گفت ما را دارند زجر می‌دهند. از دیشب تا حالا خیلی زجرش داده بودند و بازجویی‌ها و کتک‌ها و این چیزها را یک مقدار همانطور که ایستاده بودیم فوتبال بچه‌ها را تماشا می‌کردیم، او می‌گفت. آنجا من در جریان قرار گرفتم که اینها را گرفتند. بعد آمدند ما را صدا کردند بردند برای بازجویی. دو روز هم ما اینجا بودیم بدون این که، نمی‌دانم یک روز یا دو روز احضار نکرده بودند، مثل همه، شب احضار کردند بردند، آنجا که بردند وضع عوض شد دیگر، ما را برنگرداندند به عمومی. پرونده ما شکل دیگری به خودش گرفت و ما را بردند در آن جریانات ترور و مسائل دیگری مطرح کردند. ابتدا‌ش بازجوی من این کوچصفهانی بود. -کوچصفهانی را مثل اینکه بعد از چیز اعدامش کردند- از آن بازجوهای قدیمی ساواک بود. جوان هم نبود یک پیرمردی بود. خب، او خشن برخورد نکرد. همه‌چیزهای معمولی را از ما پرسید. منبرهایی که رفتیم همان منبرهایی که در مسجد صاحب‌الزمان(عج) می‌رفتیم. یک چیزهایی از آنجا گزارش داشت. یک مقدار از همان جلسه‌مان در مدرسه از آنجا گزارش داشت، چیزهایی که گفته بودیم. تظاهرات قم را پرسید. سوابق‌مان را پرسید. کتاب، همین سرگذشت فلسطین را پرسید. این یک مقدار بازجویی کرد، دو سه ساعتی بازجویی کرد. بالاخره تا بعدازظهری رسید به این هیات‌های موتلفه و آشنایی ما با اینها و با بخارایی و با امانی و کم‌کم سوالات را برد سر این طور چیزها، ما هم جواب‌های عمومی دادیم. مثلا اینها را از کجا می‌شناختیم؛ هیات‌های موتلفه، ما اسمش را در اعلامیه‌ها یا جایی مثلا دیدیم. بیش از این نمی‌دانیم. توجیهاتی هم برای سخنرانی‌های‌مان و اینها، در آن حد هم صریح بودیم که مخالف هستیم با این کارها، مقلد امام هستیم حرف‌مان را می‌زنیم دیگر صریحا. رفت سراغ مساله ترور منصور و سوالات را برد روی آن مسائل که من گفتم من از این چیزهایی که شما می‌گویید چیزی نمی‌دانم. گفت که من با شما با احترام رفتار می‌کنم ولی اگر به من جواب ندهید کسان دیگری می‌آیند، آنها این‌طوری رفتار نمی‌کنند با تو. آنجا طور دیگری رفتار خواهند کرد. گفتم هر کس بیاید اگر حرف صحیحی بخواهد همین‌ها است دیگر. ما را آن موقع آوردند به جای اینکه بیاورند در عمومی، بردند در سلول. عصری بعد از نماز مغرب دوباره ما را احضار کردند که از اینجا دیگر داستان شکل دیگری پیدا می‌کند که برای بعد صحبت می‌کنیم که اینجا حرف خیلی هست.

■ چه کسی علیه شما اعتراف کرده بود، سرنخ این از کجا دست شما آمد؟

من یک احتمالم همان منزل آقای شریعتمداری هست. چون آنجا یک صحبتی شد که نصیری را احتمالا فلان‌جا - جایی مطرح بود- مثلا آنجا می‌خواهند ترور کنند. این حرف آنجا به یک نفر گفته شد، یک احتمال هم آنجاست که تا آخرش هم این را درست رو نکردند فقط می‌گفتند تو یک جایی گفتی. گفتند در بازار گفتی، فلان گفتی. یکی هم بود که ما با آقای بهادران -در مسجد شاه- بعد از ماه رمضان یک ملاقات طولانی در بازار سلطانی و مسجدشاه داشتیم، بحث می‌کردیم برای استخلاص این بچه‌ها. برنامه‌ریزی‌ای که پیش علما برویم پیش آقای خوانساری برویم، قم پیش آقای گلپایگانی برویم، برنامه‌ریزی می‌کردیم. برای تلاش برای نجات بچه‌ها که موتلفه و اینها، که دیگر گیر نیفتند و امثال اینها. ظاهرا آن صحنه مذاکرات ما با آقای بهادران هم مخفی شده بود، اینها را نگرفته بودند. این را اینها می‌دانستند حالا این را چطوری ماموری گزارش داده بود که ما آنجا با ایشان چیز می‌کردیم، جلسهٔ آن مدرسه هم دیگر برای‌شان کشف شده بود.